



نمای ورودی تکیه داروغه که در همسایگی خانه داروغه در پایین خیابان قرار گرفته است

عکس: الهامه فرخ اشوراز



حکایت تلخ یک تکیه تاریخی

درباره تکیه داروغه که بدون رسیدگی به وضعیت بنای آن، فقط ثبت ملی شد

سیده نعیمه زینبی| روبه‌روی سردر قدیمی و کهنه حسینیّه می‌ایستیم و به کاشی‌های رنگ‌ورورفته اما هنوز پابرجای آن نگاهی می‌اندازیم. دلمان برای تماشای آنچه پشت این دیوارهاست، غنچ می‌رود. در چوبی تکیه، قرص و محکم سر جایش ایستاده است و هنوز برای سازنده‌اش، آبروداری می‌کند. در که باز می‌شود. از یک دالان کوتاه وارد حیاط می‌شویم. انگار زمان در کوچه و پشت در حسینیّه متوقف می‌شودو به سال‌ها قبل بر می‌گردیم؛ ماییم و یک تکیه تاریخی. از همین جا می‌شود هیاهو و رفت‌وآمد عزاداران دو قرن پیش را در آن تصور کرد: پیرمردی آستین بالا زده است و دارد در حوض آب وسط حیاط. وضو می‌گیرد. مرد دیگری با یک سینی استکان کمرباریک پر از چای. دوره می‌چرخد و به سیاه‌پوشان عزای امام. جای داغ تعارف می‌کند. ایوان‌ها دورتادور حیاط را فراگرفته و غرفه‌هایی را ساخته‌اند که مردم درون آن می‌نشینند و روضه را با گوش جان می‌شنوند. خبری از در و دریچه نیست تا حائلی میان دسته‌جات عزاداران حاضر در غرفه‌ها نباشد. دیوارهای خشت‌وگلی تکیه با تزیینات مختصری که از بازی آجرها شکل گرفته است. چشم را به‌سوی خود می‌کشاند. آدم باورش نمی‌شود حسینیّه‌ای با چنین قدمت و اصالتی. میان شهرمان هنوز دارد ادامه حیات می‌دهد و ما از آن بی‌خبریم. این رویای خوشی است که دوست داشتیم روایتگرش باشیم. می‌خواستیم به یبانه ثبت حسینیّه داروغه در فهرست آثار ملی ایران. به دیدار این بنای تازه‌رسمیت یافته برویم و به خیالمان از حال خوش آن بنویسیم. اما نتیجه این رویارویی، شد نوشتن حکایتی تلخ که پیش‌روی شماس؛ حکایتی درباره یکی از سه تکیه قاجاری مشهد که حال و روز خوشی ندارد. ناگفته نماند که ما در این گزارش تنها به توصیف وضعیت این تکیه پرداخته‌ایم و باگرداندگان فعلی آن به گفت‌وگو نشستهایم اما در بخش دوم این گزارش که به زودی منتشر می‌شود، به سراغ مسئولان سازمان‌های مرتبط می‌رویم و پاسخ آنان را درباره رسیدگی به وضعیت این حسینیّه که بالغ بر۱۵سال قدمت دارد. منتشر می‌کنیم.

آدرس تازه تکیه داروغه را قدیمی‌ها پیدا نمی‌کنند

برای رفتن به تکیه داروغه، باید از بولوار سردار شهید شوشتری، ره‌باغ حضرت زهرا(س) را پیش گرفت. خبری از کوچه‌های قدیمی و نام‌های هویتی آن نیست. این آدرس را قدیمی‌های محله پیدا نمی‌کنند. پس از گذر از چند پارکینگ و فضای خالی، به ساختمان‌های می‌رسیم. در سمت راست کوچه، نخستین بنا آب‌انبار داروغه است که سال‌ها پیش ثبت ملی شد و تاکنون به حال خود رها شده است و به زندگی نزار خود ادامه می‌دهد. یک ورقه فلزی با پایه‌های رنگ‌زده و نقاشی‌هایی که نمی‌تواند زشتی حضور آن را بر در یک آب‌انبار پنهان کند. جلوی راهمان را سد کرده است تا از احوال آب‌انباری خبر بمانیم. فضای خالی پشت آن، تبدیل به پارکینگ ماشین‌ها شده است. منبع حوض انبار قدیمی که احتمالا برای کار راه‌اندازی حسینیّه وویژه

ساختمانی پینه‌بسته، در انتظار مرمت

پشت آن در باشکوهی که به رویمان گشوده می‌شود، یک بنای پینه‌بسته از آوار زمان است که در نگاه اول هیچ اصالتی ندارد. سقف دالان ورودی فرو ریخته است. دورتادور حیاط را ساختمانی بی‌قواره و آجری فراگرفته است. نمای روبه‌روی در با پنجره‌های قوس‌دار گنبدی، تنها شباهت این فضا با گذشته آن است. خادم کهنسال تکیه که هفتادوپنج سالگی راز سر گذارنده است، میزبان ما می‌شود. از خاندان اقوام شکوهی است و سی سالی می‌شود که میزبان عزاداران تکیه‌است. او پیش از گل گرفتن هر صحبتی، ما را به دیدار دیوار خاطرات تکیه می‌برد؛ دیواری که با قاب عکس رفتگان خاندان اقوام شکوهی، پر شده است. قدیمی‌ترین قاب مربوط به هفتادوپنج سال پیش است. اقوام شکوهی‌ها که بزرگ‌ترینشان میرزا ابراهیم، پدر خادم تکیه‌است، به‌همراه برادرانش میزبایقر.



در مشهد تنها ۲ تکیه؛ داروغه، مددی‌ها و کرمانی‌ها) وجود دارد که بازمانده دوره قاجار هستند اما در این میان فقط تکیه داروغه دارای حیاط مرکزی با حوض و حجره‌هایی در اطراف است.



دو نما از داخل و بیرون تکیه داروغه که در مجاورت ساختمان‌های سبستانی قرار گرفته است

تکیه را مردم اداره می‌کنند، بدون پول‌های اوقافی

اقوام شکوهی، ما را به بخش زنانه تکیه‌نیز می‌برد؛ جایی که ایوان‌های طاقی شکل خراب شده و دیوارهای آجری با نمای گچ و سنگ جای آن را گرفته است. سرویس‌های بهداشتی تکیه نیز در جای قدیم خودش قرار دارد. از چند پله سنگی بلند، پایین می‌رویم تا به دالان تاریک و نموری وارد شویم که مستراح‌های تکیه در آن قرار داشته است. سری به آشپزخانه بنا هم می‌زنیم؛ همان جایی که چای و شله در آن پخته و میان سیاه‌پوشان حسینی توزیع می‌شده است. دودکش دیواری مطبخ تکیه، همچنان باقی است، اگرچه دیگر کارایی خودش را از دست داده است. خاندان اقوام شکوهی با سابقه طولانی خدمت در نقاره‌خانه حرم امام هشتم^(ع). از قدیم ساکن این کوچه بوده‌اند و به حسینیّه هم آمدورفت داشته‌اند و اکنون نیز بیشترین همت را صرف حفظ تکیه می‌کنند. آن‌ها سال‌هاست عهده‌دار نگهداری و برپا داشتن این تکیه هستند و تلاش می‌کنند اطراف محدوده حرم رضوی، خانه بخزند تا از محله پایین خیابان، حرم مطهر و حسینیّه داروغه، دور نیفتند. گویا چند دهه پیش، هفت یا هشت سالی تکیه بدون متولی می‌ماند و به حال خود رها می‌شود تا اینکه اقوام شکوهی‌ها و دیگر قدیمی‌ها دوباره به فریادش می‌رسند. متولی این سازه تا اوایل انقلاب، علی اصغر غفوریان بوده است که وقف‌نامه و مسئولیت تکیه را به هاشم شکوهی می‌سپارد و او نیز وقف‌نامه قدیمی آن را که بر روی پوست آهو نگاشته شده است، به‌همراه دیگر مدارک به اداره اوقاف تحویل می‌دهد. جلسه قرآن امام حسن عسکری^(ع) و مراسم مذهبی در ایام شهادت هنوز در تکیه برقرار است. تکیه، هیئت‌امنا دارد و تلاش می‌کند چراغ این بنا را روشن نگه دارد، اما با دست خالی کاری از دستش ساخته نیست. شاید اگر همین جلسات نبود، تاکنون همه دیوارهای حسینیّه فرو ریخته بود؛ گرچه وضعیت فعلی آن نیز تعریفی ندارد. تعداد زیادی مغازه و زمین در روستاهای مختلف، وقف این بنا شده است که البته مخارج آن برای خودش هزینه نمی‌شود. اکنون نیز مخارج روزانه و تعمیرات و حتی فرش آن از عزاداران تأمین می‌شود. این مجموعه درکنار خانه داروغه، آب‌انبار، منبع قدیمی آب و مسجد امام حسن مجتبی^(ع) قرار دارد و بازسازی آن، می‌تواند یک راسته با اماکن تاریخی بی‌شمار پدید بیاورد که مشهد از آن محروم مانده است.



قدیمی ترین تصویر باقی مانده از خاندان اقوام شکوهی بر روی دیوار حسینیّه

پیشینه تکیه داروغه بر اساس اسناد و نقشه‌های قدیمی

حسینیّه یا تکیه داروغه در بافت قدیم مشهد، در مجاورت قبرستان خوردو و راسته حوض مسگرها ساخته شده است؛ جایی میان محله پایین خیابان مشهد در سال‌ها پیش. همسایه‌های قدیمی این کهنه‌بنا، دیگر به خاک پیوسته‌اند و اثری از آن‌ها باقی نمانده است. نه دیگر از کوچه مسگرها خبری است، نه از آن همسایه‌های دیرینه که نسل به‌نسل کنار هم زندگی می‌کردند. چند نقطه از گذشته این کوچه کنار هم حضور دارند که هرکدام بخشی از تاریخ آن را روایت می‌کنند؛ خانه داروغه در همان نزدیکی، منبع آب که یادآوری‌کننده نخستین روش‌های نوین دستیابی به آب برای مشهدی‌هاست، یک آب‌انبار که به مجموعه حسینیّه پیوسته است، مسجد خوردو یا امام حسن مجتبی^(ع) که سال‌هاست در آن بسته است و یکی دو همسایه قدیمی، حیات خودشان را به بافت تاریخی این شهر وصل کرده‌اند. اگرچه تاریخ این بنا را با حضور یوسف خان هراتی در مشهد و ساخت خانه داروغه هم‌زمان دانسته‌اند، یک گشت‌وگذار کوتاه میان اسناد، این ادعا را رد می‌کند. در کتاب «نفوس ارض اقدس» که در سال ۱۲۵۷ خورشیدی با اجرای نخستین سرشماری مشهد نگاشته شد، به خانه داروغه در پایین خیابان اشاره شده و در نقشه جولیس که در ۲۹ اسفند ۱۲۴۸ ترسیم شده است، نام تکیه داروغه به چشم می‌خورد. این دو واقعیت نشان می‌دهد که ساخت تکیه داروغه به‌همراه آب‌انبار و خانه آن که در نزدیکی هم قرار دارند، دست‌کم در ۱۵۴ سال پیش رقم خورده است که با تاریخ حضور داروغه بدنام خراسان، یوسف خان هراتی، در سال ۱۲۹۰ خورشیدی مطابقت ندارد. برای یافتن تاریخ دقیق‌تر ساخت تکیه، باید میان اسناد ماقبل سال ۱۲۴۸ خورشیدی، جست‌وجو و کارنامه داروغه‌های پیش از این تاریخ را بررسی کرد.



موقعیت تکیه داروغه بر روی نقشه قاجار مشهد